

سه‌شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۹ • ۱۹ محرم الحرام ۱۴۴۲ • ۸ سپتامبر ۲۰۲۰

اخبار

نمایشگاه‌ها و سخنرانی‌ها، تئاترها و جشن‌های هنری پیرامون میراث آمازیغی

ادارات فرهنگی سراسر کشور به مناسبت آغاز سال آمازیغی در ماه ژوئن جشن‌هایی می‌گیرند و ادارات فرهنگی الجزایر به همین مناسبت برنامه ویژه‌ای را اجرا می‌کنند. جمعیت‌های فرهنگی در ماه ژوئن در شهرهای «تیزی و زو» جشن برپا می‌کنند. در چارچوب برنامه‌های اداره فرهنگی شهرهای «تیزی و زو» با هماهنگی با جنبش‌های اجتماعی فعال در مرکز «جرجره»، خانه فرهنگ «مولود عمری» فعالیت‌های مختلف به مناسبت آغاز سال آمازیغی برگزار می‌کند. همچنین نمایشگاهی به همین مناسبت که در آن موزه‌های ملی شرکت می‌کنند و نمایشگاه‌های ویژه کتاب که در آن اداره عالی آمازیغی و تعدادی انتشارات شرکت می‌کنند، نیز برگزار می‌شوند.

برنامه جشن در ولایت الاغواط نیز شامل نمایشگاه‌های مختلف میراث مینهی است که در آن تعدادی از موزه‌های ملی به همراه مجموعه‌ای از فعالیت‌های فرهنگی و نمایش‌های هنری و کارگاه‌های تربیتی برنامه‌هایی دارند و همه دستگاه‌های فرهنگی ولایت از این برنامه حمایت و پشتیبانی می‌کنند. روزهای آموزشی توسط پرفیسور «محمد اکلّی حداد» پیرامون میراث آمازیغی در این برنامه برگزار می‌شود و مجموعه‌ای از سخنراناان لغت‌شناس و متخصصین در فرهنگ و میراث آمازیغی نیز در این روزها برنامه اجرا می‌کنند. همچنین سمیناری پیرامون شعر مردمی آمازیغی نیز در این روزها برپا می‌شود.

تاریخ جهان از دیدگاهی نو چاپ شد / افشاکری وابستگی‌های غرب به شرق کتاب «راه‌های ابریشم» (تاریخ جهان از دیدگاهی نو) نوشته پیتر فرانکوپن به‌تازگی با ترجمه حسن افشار توسط نشر مرکز منتشر و راهی بازار نشر شده است.

نویسنده این‌کتاب، مورخی مستقر در دانشگاه آکسفورد است. او پژوهشگر ارشد کالج ووستر دانشگاه آکسفورد و مدیر مرکز مطالعات بیژن‌اس از این‌دانشگاه است. او کتاب «جنگ صلیبی اول: فراخوان از شرق» را نوشته که یکی از تکنگراری‌های وزین درباره بیژانس، اسلام و غرب در قرن‌های یازدهم و دوازدهم است. کتاب «راه‌های ابریشم» هم یکی از آثار معروف اوست که دنباله آن را با عنوان «راه‌های ابریشم نو» در سال ۲۰۱۹ منتشر کرد. ترجمه الکسیادس هم از دیگر آثار این‌محقق و پژوهشگر است.

پیتر فرانکوپن در مقدمه‌ای که برای این‌کتاب نوشته، از کودکی خود و علاقه به کشف واقعیت‌های تاریخ گفته است. او می‌گوید خیلی از قصه‌ها او را داشتند گذشته جهان را به گونه‌ای متفاوت ببیند. او این‌تاریخ متفاوت را در کتاب خودش، پس از همه تشکیک‌ها، جایی بین دریای سیاه و کوه‌های هیمالیا می‌بیند؛ یعنی جاده ابریشم که به گفته او شهرهای زیادی در این‌مسیر ساخته شدند.در نقدی که نیویورکر درباره این‌کتاب منتشر کرده، این‌آثار تاریخی خواندنی توصیف شده که به جنگ دیدگاهی می‌دهد که غرب را وارث تمدن یونانی – رومی می‌داند. تأثیرپذیری مسیحیت از دین بودا یکی از مسائلی است که در این‌کتاب به آن پرداخته شده است. دیگر نقدهایی که درباره این‌کتاب نوشته شده‌اند، آن را اثری بلندپروازانه و برهم‌زننده مفروضات پیشین دانسته‌اند.مولف کتاب پیش‌رو معتقد است؛ این‌تأثیرها در ابریشم بود که شرق و غرب از طریق بازرگانی و ارتباطات منجر به نشر اندیشه‌ها، فرهنگ‌ها و دین‌ها شد؛ یا یکدیگر برخورد کردند.فرانکوپن در این‌کتاب نشان داده سرنوشت تمدن غرب تا چه حد با شرق، پیوند داشته است؛ پیوندی ناگسستیم و مهم. به‌این‌ترتیب، کتاب «راه‌های ابریشم» افشاکراری عالی درمورد غرب و دستاوردهایش دارد که نشان می‌دهند تا چه حد، کشورهای غربی مدیون شرق عالم بوده‌اند.

کتاب «راه‌ای ابریشم» ۲۵ فصل دارد که عناوین‌شان به‌ترتیب عبارت است از:ایجاد راه ابریشم، راه دین، راه شرق مسیحی، راه انقلاب، راه هومرسیتی، راه پوست، راه نبرده، راه بهشت، راه دوزخ، راه مرگ و برنانی، راه طلال، راه نقره، راه شمال اروپا، راه امپراتوری، راه بحران، راه جنگ، راه طلای سیاه، راه آشتی، راه گندم، راه نسل‌کشی، راه جنگ سرد، راه ابریشم آمریکا، راه‌همجشمی برقدرت‌راه،راه فاجعه، راه تراژدی. پیتر فرانکوپن در کتاب خود به این‌مساله اشاره دارد که برای درکی اهمیت شهرها و کشورهای که در مسیر تجاری پیچیده جاده ابریشم قرار داشته‌اند، ابتدا باید از تاریخ‌شفقت‌انگیز آن‌ها آگاه شد.

در قسمتی از این‌کتاب می‌خوانیم:

مذاکرات با شرکت چنان سریع پیش رفت که تابستان ۱۹۱۴ دولت بریتانیا توانست ۵۱ درصد سهام شرکت را بخرد _ و مدیریت عملیات شرکت را هم از آن خود کند.زبان‌آوری چرچیل در مجلس عوام اثر اکثریت قریب به اتفاق را برایش به دست آورد. نگاه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و ارتش نفس‌راحتی کشیدند: به‌ذخایر نفتی که ممکن بود در هر درگیری نظامی در آینده برایشان ضرورت حیاتی پیدا کند دست یافته بودند. یازده روز بعد، فرانتس دریدانند در سارایوو کشته شد.در هیاهویی پیرامون سیسچ برای جنگ،دین‌دین‌اهمیت مگانهایی که بریتانیا برای امانین سوخت‌مورد نیازش برداشت دشوار نبود. علت یک آن البته این بود که کمتر کسی از معامله‌های پشت پرده آگاه شد. زیرا دولت بریتانیا نه تنها بیشتر سهام شرکت نفت ایران و انگلیس را خرید، بلکه برای دریافت نفت بیست سال نفت نیروی دریایی هم به توافقی محرمانه دست یافت. معنی آن این بود که اگر جنگ با آلمان به درازا می‌کشید، بریتانی می‌توانست از بابت سوخت کشتی‌هایی که در تابستان ۱۹۱۴ به آفکند خطی‌جمع باشد. این‌کتاب با ۵۰۰ صفحه، شمارگان هزار و ۲۰۰ نسخه و قیمت ۱۴۸ هزار و ۵۰۰ تومان منتشر شده است.

قومی در الجزایر که از بازماندگان و نوادگان حضرت نوح (ع) هستند

بخش پژوهش‌های اربزنی فرهنگی ایران در الجزایر در تازه‌ترین گزارش ارسالی خود، درباره فرهنگ و تمدن قومی کهن به نام «آمازیغ» در الجزایر نوشته است که شاخسه‌های یک ملیت را دارند. با بخش نخست این گزارش سه قسمتی در ادامه همراه شوید.

نام‌گذاری آمازیغ و بربر

سابق بر این در زبان‌های اروپایی، «آمازیغ» با نام «موری»(mauri) – که یک کلمه تحریف شده مغربی است – شناخته می‌شد و عرب‌ها از آن با نام «بربر» یا «هل مغرب» نام می‌بردند. «بربر» کلمه‌ای عربی است و با کلمه «بربر» (Barbra) هیچ ارتباطی ندارد؛ دومی کلمه‌ای لاتینی است که لاتینی‌ها بنا بر باورشان مبنی بر اینکه تمدن یونانی و رومی را بر سایر تمدن‌ها برتر می‌دانستند، همه ملت‌های غیرلاتینی مانند ژرمن‌ها و دیگران را به این نام می‌شناختند. بنا بر آنچه که در کتاب‌های تاریخ آمده است، علمای نسب‌شناسی متفق‌القول هستند که قومیت بربر دارای دو ریشه بزرگ «برنس» و «مادگنِس» است (مادگنِس را «الابتِر» و «بت را»، و برنس را به «البرانس» می‌گویند).

با این حال علما در اصل و نسب آن‌ها اختلاف دارند: این‌خلدون با بیان دیدگاه‌های بسیاری از علمای نسب‌شناسی، شرح می‌دهد که همه نسب‌شناسان بربر معتقدند که «برانس» از نسل «مازیغ بن کنعان» است و قوم «البتِر» فرزندان «بربن قیس بن عیلان» هستند، لذا درست نیست که قوم «البرنس» را آمازیغ بنامیم. نام آن‌ها را «بربر» گذاشته‌اند چون یک زبان واحد ندارند و هر قبیله‌ای زبانی ویژه خود را دارد.است. گفته می‌شود که پادشاه «التبابعه افریقش» هنگامی که متوجه شد که آن‌ها زبان‌های متنوع دارند، نامشان را «بربر» گذاشت. تنوع و اختلاف بین زبان‌ها در میان بربرها تا امروز باقی مانده است؛ زبان‌هایی مانند: الرقیبه، الشلحه،السوسیه،القبایلیه،المزابیه و الشاویه. نمی‌دانیم که زبان بربرهایی که عرب‌زبان شدند کدام است ولی طبیعی است که زبان آن‌ها صرفاً یکی از این زبان‌ها نیست.

زبان آمازیغ

زبان آمازیغی از مجموعه زبان‌های آفروآسیایی است، یعنی همان مجموعه‌ای که زبان‌های عربی بجا و مصری قدیم به آن منسوب است. زبان مصری قدیم به زبان بربر نزدیک‌تر است و با بسیاری از زبان‌های دیگر در ویژگی زبانی مشترکاتی دارد. بر اساس تاریخ ابن‌خلدون قوم بربر به دو مجموعه «برانس» و «بتِر» تقسیم می‌شود. قبایلی که در دوره اسلامی بیشتر از دیگران بودند عبارتند از: اوربه، هواره و صهناجه از قوم «برانس» و نفوسه، زناته و نفزاوه از قوم «بتِر». قبیله «اوربه» در زمان فتوحات اسلامی بیشترین جمعیت را داشت و قوی‌تر از بقیه قبایل بود. این قبیله بود که با رهبرش «کسیله» که پادشاه قبیله «برانس» بود، به جنگ عرب‌ها رفت و همین قبیله بود که استقبال ادریس اول آمد و با او بیعت کرد و همه قوم آمازیغ را بر اطاعت از او متحد کرد.قبایل زواغه،لواته، سرداته، غیاته، نفره مکناسه، غمره و همه قوم بربر پیرامون «تیموزین» از مملکت «تومیما» و مملکت «موریتانی» که از دو مملکت زیر نظر دولت روم در قرن دوم قبل از میلاد بودند. همچنین پس از اشغالگری «وندال» در سال ۴۲۹ م، و اشغالگری روم شرقی در سال ۵۲۳ م، قبایل دیگری مطرح شد که در قرن هشتم میلادی (دوم هجری) زیر نظر آنها بودند.

تاریخ آمازیغ

نسب‌شناسان ریشه قوم آمازیغ را به «مازیغ بن کنعان بن حام بن نوح علیه‌السلام» نسبت می‌دهند. این‌ها برداران مصری‌ها هستند. پس آمازیغ نسلی است از سلاله حامی و از بخش‌های حامی‌های مشرق زمین هستند که مصری‌ها و آمازیغی‌ها به آن‌ها منسوب می‌شوند.

آداب و رسوم آمازیغی‌ها همان آداب و رسوم

اجتماعی است که تأثیرات اسلامی را وارد «مازیغیه» کرد. آمازیغی‌ها فقط از طریق ترجمه متون از عربی به گوینه‌ای عمیق اسلام را می‌فهمیدند، همچنین از آداب و رسوم و هنرها و جشن‌های خود برای تلقین و درک بیشتر (از اسلام) استفاده می‌کردند.مهم‌ترین آداب و رسوم آموزشی آن‌ها عبارتند از: آموزش شیشه، عرس‌القرآن، بخاری رمضان، مولد نبوی و امور متداول مانند خوشگذرانی و گردشگری‌ها.

ریشه مردم الجزایر

بیشتر نقل قول‌ها می‌گویند که ریشه ساکنان الجزایر همان آمازیغی‌ها هستند (به انگلیسی: Imazighen) یا بربر (به انگلیسی: Berber)، آمازیغ کلمه‌ای آمازیغی است که در زبان آمازیغی به معنی انسان آزاد و تیزهوش می‌باشد اما کلمه بربر کلمه‌ای لاتینی است به معنی افراد وحشی و نادان‌های بدون فرهنگ و تمدن. در اصل این واژه متعلق به همان رومی‌هایی است که همه اقوامی که در حوزه دریای مدیترانه مورد حمله خودشان قرار می‌دادند، به این واژه می‌نامیدند. البته به دلیل کم بودن تاریخ مکتوب پیرامون این ملت‌ها، ریشه واقعی آمازیغ و بربر مشخص نیست. برخی از دانشمندان ریشه آن‌ها را به اروپا نسبت می‌دهند و به نسل «وندال» که در شمال آفریقا ساکن شدند، منسوب می‌شوند. گروهی دیگر ریشه آمازیغی‌ها را به مردم‌هایی که به دلایل آب و هوایی به شمال آفریقا مهاجرت کردند، نسبت می‌دهند. ابن‌خلدون معتقد است که ریشه آمازیغی‌ها به کنعانی‌های از نسل کنعان بن حام بن نوح علیه‌السلام بازمی‌گردد، او کنعانی‌ها را از عرب‌ها نمی‌داند؛ همچنین آن‌ها را فرزندان «سام» هم نمی‌داند.

کلمات آمازیغی از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد در شمال آفریقا شروع به رواج یافتن کرد تا اینکه در هزاره اول قبل از میلاد، بیشتر مردم ساکن این منطقه به زبان آمازیغی صحبت می‌کردند. قوم آمازیغ به صورت مجموعه‌هایی از قبایل در این منطقه ساکن شدند، بسیاری از قبایل آمازیغی دور هم جمع شدند و تعدادی از ممالک بربری را زیر نظر دولت کارتاژ و روم تأسیس کردند. بارزترین این ممالک عبارتند از: مملکت «تومیما» و مملکت «موریتانی» که از دو مملکت زیر نظر دولت روم در قرن دوم قبل از میلاد بودند. همچنین پس از اشغالگری «وندال» در سال ۴۲۹ م، و اشغالگری روم شرقی در سال ۵۲۳ م، قبایل دیگری مطرح شد که در قرن هشتم میلادی (دوم هجری) زیر نظر آنها بودند.

کشورگشایی‌های اسلامی از دولت اموی به مغرب عربی آغاز شد، جنگ «ممس» یا «ممش» بین آن‌ها درگرفت که در آن‌ها قیاس «البلوی» رهبری سپاه اموی را به عهده داشت و «کسیله» مسلوب می‌شوند. آداب و رسوم آمازیغی‌ها همان آداب و رسوم مهم‌ترین سرزمینی یاد می‌شود که نخبگانش قراری برای ماندن ندارند. درباره این موضوع مفصل بحث شده و مسئولان کشور نیز برنامه‌هایی را جهت رفع آن در پیش گرفته‌اند، اما تاکنون این روند مهاجرت نه تنها کاهش نیافته که سیر صعودی نیز به خود گرفته است، در صورتی که کشور ما اکنون در بسیاری از حوزه‌ها به این نخبگان که خود پرورده و هزینه‌های زیادی را صرف این پرورش کرده، نیازمند است.

این «مساله» مهم را از محمدعلی زلفی گل، استاد برجسته شیمی، رئیس سابق دانشگاه بوعلی سینا و همچنین قائم مقام سابق بنیاد ملی نخبگان به بحث نشستیم. او در سال ۱۳۸۲ مقاله مهمی را در فصلنامه سیاست گذاری علم و پژوهش «هیافت» با عنوان «مهاجرت ژن‌ها» منتشر و در آن نکات بسیار مهمی را در زمینه مهاجرت نخبگان مطرح کرد.

مشروح این گفتگو در ادامه می‌آید:
مگر موافق باشیم بحث با سوالی که شاید اکنون از فرط تکرار تبدیل به کلیشه شده آغاز کنیم. کشور ما یکی از بزرگترین کشورها در فرار مغزهاست. اصلی‌ترین دلیل برای این امر چیست؟

عمده‌ترین دلیلش این است که ما امکان به کارگیری نخبگان را در داخل کشورمان نداریم و آنها شغل مناسبی نمی‌توانند برای خودشان متصور شوند. عمده‌ترین فاکتور شغل مناسب است چون اگر انسان نخبه‌ای بتواند در کشور خودش اثرگذار باشد و در جایگاه مناسب قرار گیرد هیچگاه وطنش را رها نمی‌کند تا به کشور‌های دیگر برود. عامل دوم این است که برخی از نخبگان سقف پروازشان را جهانی می‌دانند و فکر می‌کنند که اگر برای تحصیل یا برای شغل در سطح بالاتری قرار بگیرند می‌توانند اثربخشی خود را افزایش دهند و از عمر خودشان بهتر استفاده کنند. طبیعی است که چنین افرادی با یک نگاه فراتر از موقعیت جغرافیایی به عمر و شغل تخصص عقل و… نگاه می‌کنند. آنها با برنامه حرکت می‌کنند و سعی دارند تا سقف پرواز خودشان را همیشه بالا نگه دارند و بهترین جایی که برایشان ممکن است انتخاب کنند برای زندگی کردن و اثربخشی و رشد علمی و عقلی و اداتر شدن.

در دوره‌ای برای اینکه دانشجوی برای ادامه تحصیل به خارج نرود، برنامه‌ها همه به سمت طراحی و ایجاد رشته‌هایی رفت که بیشتر در نظام آکادمیک ایران وجود نداشت. وزارت علوم در ایجاد این رشته‌ها چندم موفق بوده است؟ اصولاً آیا ضرورتی برای این کار وجود داشته و چه دلایل آن است؟

بله. این واقعیتی است که بسیاری از نخبگان برای ادامه تحصیل به خارج از کشور مراجعه می‌کردند و می‌کنند. طبیعی

روزنامه‌های ایران



کردند، اسلام را در آنجا انتشار دادند و این آغاز ورود اسلام به مغرب عربی بود. بربرها نیز تحت فرمان حکومت اسلامی درآمدند. آن‌ها در نوشتن نامه‌ها کاملاً زبان عربی را به کار می‌بردند و پس از ورود بربرها در اسلام، زبان آمازیغی به عنوان هم‌زیستی یا عرب‌های مالکی حفظ شدند؛ شده‌اند، اما در سال‌های اخیر اختلافات و ناراحتی‌هایی بین آمازیغی‌های ایاضی و عرب‌های مالکی در غردایه به وجود آمده‌است.

اما مجموعه سوم از آمازیغی‌ها در منطقه «الاوراس» در دورترین نقطه شرق الجزایر و نزدیک مرزهای تونس ساکن هستند و به «الشاویه» معروف هستند. این منطقه شامل شهرهای «اتنه»، «ختشله»، «ام البواقی»، «سوق الهراس» می‌شود. مردم این مناطق انقلابی بودند و جنگ‌ها و برخوردهای بزرگی را شاهد بودند. آن‌ها بیشتر از دیگران به همبستگی ملی پایبندند، و کمتر به ملی‌گرایی آمازیغی می‌پرزاند. آمازیغ الشاویه به تمسک به خاک و سرزمین خود و سازگاری با شرایط سختی و در زمستان شناخته شده‌اند؛ همچنان مطیع کمیته‌های عرفی و اجتماعی معروف به «العرش» که در اداره زندگی اجتماعی‌شان مشارکت می‌کنند، می‌یابند.

مجموعه چهارم آمازیغی‌ها در منطقه «صحرای کنترنراست» و «البری» زندگی می‌کنند و به «الطواوق» معروفند و دارای زندگی ساده و بی‌پیرایه در داخل صحرا هستند؛ اما در دهه‌های اخیر شروع به زندگی در شهرهای صحرایی کردند و به موسیقی محتوایی، سنتی آرام که بر روی گیتار سنتی نواخته می‌شود،شناخته می‌شوند.

همچنان هویت آمازیغی با همه تنوعش، فرهنگ الجزایر را برپار می‌کند و با همه اختلافاتی که در اصل اولیه دارند، در برخی از جلوه‌هایشان نمایانگر مشترکات بین همه الجزایری‌ها شده‌اند؛ در هم‌زیستی و همگون شدن بین دو طرف در قالب میهن‌مساهمت می‌کنند و همین امر در برخی از برهه‌های زمانی، عامل تشویق‌کننده‌ای برای ورود به دفاع از وطن و سرزمین در برابر حملات خارجی می‌شود. البته آمازیغی‌ها مانند بقیه الجزایری‌ها قربانی روشن‌های استعماری فرانسوی‌ها در سال‌های بین ۱۸۳۰ تا ۱۹۶۲ م بودند.

برخی از شخصیت‌های آمازیغی‌الاصِل نقش برجسته‌ای در جنبش ملی الجزایر، در قیل از انقلاب آزادی‌بخش این کشور و در بعد از پیروزی، در سال‌های بین ۱۹۵۴ م تا ۱۹۶۲ م ایفا کردند. علاوه بر آن از نظر فرهنگی، هنری و دینی نیز آمازیغی‌ها مؤثر بودند. به گونه‌ای که منطقه قبایل شرق الجزایر بیشتر از جاهای دیگر پذیرای زوابا (مراکز قرآنی) و مکتب‌های دینی (مراکز قرآنی) بودند.مراکز دینی که بر ماندگاری دین اسلامی و زبان عربی در دوره استعمار فرانسوی مؤثر بودند.

کشور ما در ایجاد شغل برای نخبگان ناتوان است

گروهی از نخبگان ایرانی در حال بحث در مورد مهاجرت

است که وقتی در داخل کشور امکان تحصیل و رشد علمی‌شان مهیا باشد میزان خروج از کشور برای ادامه تحصیل کاهش پیدا می‌کند. اگرچه بخشی هم ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر را ترجیح می‌دهند در کشورهایی که در یک زمینه علمی خاص مرجع هستند تحصیل کنند اما غالب و عامل افراد اگر امکان تحصیل در دانشگاه‌های خود دولتی در کشور مهیا باشد و حتماً داخل را برای ادامه تحصیل انتخاب می‌کنند.

به همین دلیل رشد تحصیلات تکمیلی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری نه تنها مفید بوده بلکه باعث رشد و رونق تولید علم و فناوری هم شده است. به همین دلیل هم شاهد هستیم که امروزه در منطقه از نظر علمی رتبه اول را کسب کرده‌ایم.

البته بسیاری نیز پس از مقطع کارشناسی ارشد حتی برای رشته‌هایی که در داخل برای آنها مقطع دکتری وجود دارد نیز برای ادامه تحصیل دانشگاه‌های خارج از ایران را انتخاب می‌کنند. آیا این روند که اکنون بدل به فرهنگی میان برخی طبقات جامعه شده، به کیفیت نظام آموزشی ما ارتباط دارد؟ یکسری از افراد با توجه به توانمندی‌های خاص خودشان و پذیرش آنها در خارج از کشور بویژه در کشورهایی که مرجعیت علمی دارند، مهاجرت می‌کنند. آنها رشته‌هایی را که در داخل کشور وجود دارد، ضعیف نمی‌دانند و البته دلیلی هم برای ضعف نیست بلکه خود آنها موقعیت‌بهتری برای‌شان فراهم شده است که می‌خواهند از آن موقعیت استفاده کنند. اما یکسری هم از سد کتکدر در مقاطع تحصیلات تکمیلی نمی‌توانند عبور کنند و چون امکانات مالی دارند و هزینه تحصیل در خارج از کشور را می‌توانند تأمین کنند بنابراین به خارج می‌روند.

اصولاً پدیده مهاجرت تحصیلی امر مذمومی است؟

خیر. در این دهه‌ها نگاه‌های چون دهکده جهانی است و اعتقاد بر این است که دانشمندان، اندیشمندان و متفکران نباید خودشان را در یک مرز جغرافیایی محصور کنند، آنها متعلق به کل جامعه جهانی و بشری هستند با این نوع نگاه پدیده مهاجرت امر مذمومی نیست و می‌تواند شرایطی را برای آنها مهیا کند.

بسیاری بر این باورند که جمهوری اسلامی ایران در این ۴۰ سال در پرورش حس ملی گرایی ضعیف عمل کرده و این یکی از دلایل مهاجرت نخبگان است، نظر شما در این باره چیست؟ نباید فراموش کرد که ما یک تجربه تاریخی از زمینه‌های مهاجرت برای کسب علم را هم داریم. در دهه‌های ابتدایی قرن اخیر هر ایرانی که برای ادامه تحصیل به خارج از کشور می‌رفت دغدغه ساخت وطن را داشت، بنابراین تمام تلاشش بر این بود که به تحصیل در علوم بی‌بردارد که به درد ساخت ایران می‌خورد. این اشخاص حتماً به کشور بازگشته و خدمت می‌کردند و مشغول ساخت و آبادانی ایران می‌شدند، اما در دهه‌های اخیر این حس در میان مهاجران علمی وجود ندارد.

کودتای ارتش بر علیه حکومت موقت بعد از استقلال صورت گرفت تا اینکه به حوادث آوریل ۱۹۸۰ که به عنوان اولین قیام سیاسی و مردمی بعد از استقلال در الجزایر به شمار می‌رود، رسید و تا سال ۱۹۹۴ ادامه یافت. آمازیغی‌ها در این سال درخواست نمودند که زبان آمازیغی در مدارس تدریس شود. سپس حوادث «الربیع الأسود» در آوریل ۲۰۰۱ م روی داد.

مجموعه دیگر آمازیغی‌ها در منطقه «غردایه» وسط کشور و در مرزهای صحرا مستقر شده‌اند. ساکنان آن به گرایش به مذهب ایاضی شناخته می‌شوند، به نظم اجتماعی پایبندتر و ملنترتر هستند و تا امروز آمازیغی‌های غردایه توسط کمیته‌های اجتماعی اداره می‌شوند؛ مانند «شورای عمی سعید» که از روحانیون و فقهای ایاضی تشکیل می‌شود و امور دینی را زیر نظر دارد، و «شورای عزابه» که مدیریت فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، امور تربیتی و مدارس آزاد (خصوصی) را به عهده دارد.

با اینکه مختصر پیشرفتی در میان آمازیغی‌های غردایه مشاهده می‌شود اما آن‌ها ارتباطات اجتماعی و احترام به ویژگی‌های جامعه خودشان و حفظ معماری شهرها و محله‌ها را حفظ کرده‌اند، و آن‌ها به تجارت و هم‌زیستی یا عرب‌های مالکی مذهب شناخته شده‌اند، اما در سال‌های اخیر اختلافات و ناراحتی‌هایی بین آمازیغی‌های ایاضی و عرب‌های مالکی در غردایه به وجود آمده‌است.

اما مجموعه سوم از آمازیغی‌ها در منطقه «الاوراس» در دورترین نقطه شرق الجزایر و نزدیک مرزهای تونس ساکن هستند و به «الشاویه» معروف هستند. این منطقه شامل شهرهای «اتنه»، «ختشله»، «ام البواقی»، «سوق الهراس» می‌شود. مردم این مناطق انقلابی بودند و جنگ‌ها و برخوردهای بزرگی را شاهد بودند. آن‌ها بیشتر از دیگران به همبستگی ملی پایبندند، و کمتر به ملی‌گرایی آمازیغی می‌پرزاند. آمازیغ الشاویه به تمسک به خاک و سرزمین خود و سازگاری با شرایط سختی و در زمستان شناخته شده‌اند؛ همچنان مطیع کمیته‌های عرفی و اجتماعی معروف به «العرش» که در اداره زندگی اجتماعی‌شان مشارکت می‌کنند، می‌یابند.

مجموعه چهارم آمازیغی‌ها در منطقه «صحرای کنترنراست» و «البری» زندگی می‌کنند و به «الطواوق» معروفند و دارای زندگی ساده و بی‌پیرایه در داخل صحرا هستند؛ اما در دهه‌های اخیر شروع به زندگی در شهرهای صحرایی کردند و به موسیقی محتوایی، سنتی آرام که بر روی گیتار سنتی نواخته می‌شود،شناخته می‌شوند.

همچنان هویت آمازیغی با همه تنوعش، فرهنگ الجزایر را برپار می‌کند و با همه اختلافاتی که در اصل اولیه دارند، در برخی از جلوه‌هایشان نمایانگر مشترکات بین همه الجزایری‌ها شده‌اند؛ در هم‌زیستی و همگون شدن بین دو طرف در قالب میهن‌مساهمت می‌کنند و همین امر در برخی از برهه‌های زمانی، عامل تشویق‌کننده‌ای برای ورود به دفاع از وطن و سرزمین در برابر حملات خارجی می‌شود. البته آمازیغی‌ها مانند بقیه الجزایری‌ها قربانی روشن‌های استعماری فرانسوی‌ها در سال‌های بین ۱۸۳۰ تا ۱۹۶۲ م بودند.

برخی از شخصیت‌های آمازیغی‌الاصِل نقش برجسته‌ای در جنبش ملی الجزایر، در قیل از انقلاب آزادی‌بخش این کشور و در بعد از پیروزی، در سال‌های بین ۱۹۵۴ م تا ۱۹۶۲ م ایفا کردند. علاوه بر آن از نظر فرهنگی، هنری و دینی نیز آمازیغی‌ها مؤثر بودند. به گونه‌ای که منطقه قبایل شرق الجزایر بیشتر از جاهای دیگر پذیرای زوابا (مراکز قرآنی) و مکتب‌های دینی (مراکز قرآنی) بودند.مراکز دینی که بر ماندگاری دین اسلامی و زبان عربی در دوره استعمار فرانسوی مؤثر بودند.

اخبار

تمدید مهلت ارسال آثار از ۲۲ شهریور

ثبت‌نام بیش از ۳۰۰ دانش‌آموز در آیین تجلیل از نونگلان حسینی

مهلت ارسال آثار آیین تجلیل از «نونگلان حسینی» تا ۲۲ شهریور تمدید شد. این برنامه امسال به دلیل شیوع ویروس کرونا در فضای مجازی برگزار می‌شود؛ داوطلبان برای شرکت در این همایش هم از تهران و هم از سایر شهرهای کشور از طریق ارسال ویدئو اقدام کنند.

به گزارش امتیاز، حمید عسگری معاون آفرینش و اجرای فرهنگ‌سرای اندیشه ضمن اشاره به اهداف برگزاری آیین تجلیل از نونگلان حسینی، ترویج فرهنگ و نهضت حسینی در جامعه و تربیت مداحان و شاعران حضرت امام حسین(ع)، را از مهم‌ترین این اهداف برشمرد و گفت: در حال حاضر بیش از ۳۰۰ نفر نوجوان در مقاطع مختلف تحصیلی ابتدایی و متوسطه ثبت‌نام کرده‌اند و با توجه به درخواست‌های مکرر خانواده‌ها مبنی بر اینکه مهلت ثبت‌نام تمدید شود، قرار بر این شد که تا روز بیست و دوم شهریور روند ثبت‌نام ادامه پیدا کند. معاون آفرینش و اجرای فرهنگ‌سرای اندیشه با بیان اینکه افراد ثبت‌نام کننده ساکن شهرهای مختلف کشورمان هستند، افزود: آیین تجلیل از نونگلان حسینی در سال‌های گذشته حضوری برگزار می‌شد، ولی امسال به دلیل شیوع ویروس کرونا قادر به برگزاری سال‌های این آیین نیستیم؛ لذا بر خلاف سال‌های گذشته که شرکت‌کنندگان همه از تهران اقدام می‌کردند، امسال داوطلبان برای شرکت در این همایش هم از تهران و هم از سایر شهرهای کشور از طریق ارسال ویدئو به سایت **www.mogolanhossaini.com** اقدام کنند.

وی گفت: این آیین همچون سال‌های گذشته، با حمایت سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و با همکاری شبکه قرآن و معارف، سازمان دانش‌آموزی شهر تهران، کانون اندیشه‌ها و شاعران آیینی کشور در سه مقطع ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم برگزار می‌شود.

عسگری پرهیز از انحراف نسبت به بیان حقایق واقعه کربلا را یکی دیگر از اهداف برگزاری آیین تجلیل از نونگلان حسینی و آشنایی شرکت‌کنندگان با حقایق و مصائب عاشورا عنوان کرد و گفت: شناسایی، حمایت و پرورش استعدادهای بالقوه‌ی مداحان نوجوان، تشویق و ترغیب نوجوانان خادم بیت اهل (ع) و پرورش مداحان طراز انقلاب اسلامی از اهداف و دغدغه‌های مهمی است که آن را در قالب برگزاری آیین تجلیل از نونگلان حسینی دنبال می‌کنیم.

دبیر آیین تجلیل از نونگلان حسینی با توجه به فعالیت‌های گسترده فرهنگ‌سرای اندیشه در برگزاری هرچه باشکوهرتر آیین تجلیل از نونگلان حسینی تصریح کرد: در واقع متولیان دغدغه‌های حاضر در فرهنگ‌سرای اندیشه از تمام ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود در فضای مجازی به دلیل شیوع ویروس کرونا، بهره خواهند گرفت و تمام تلاش این است که این آیین همچون سال‌های گذشته به نحو احسن برگزار شود.

عسگری نقش و حضور مداحان و داوران صاحب سبک و پیشکسوت در این مراسم را مهم ارزیابی کرد و گفت: حضور مداحان و داوران پیشکسوت در این برنامه ضمن انتقال تجربیات و نکات تخصصی، کمک قابل توجهی به آشنایی نونگلان حسینی با اخلاق و آداب صحیح خادمی و ذاکری خاندان عصمت و طهارت می‌کند.

راه‌های ابریشم

تاریخ جهان از دیدگاهی نو

پیر فرانتس فرانکوپن

پزشک و یک دانشمند خوب باعث آبادانی کشوری می‌شوند یک ثروتمند خوب هم می‌تواند با تولید رونق اشغال و آباد کردن کشور باعث رشد شود.

ما در داخل کشور می‌گوئیم کار برای تراکتور هست و برای چه کار می‌کنید؟ فرهنگ درویش مسلکی را پیشه کرده‌ایم. در صورتی که در کشورهای پیشرفته مانند ژاپن، کار مقدس است. کسی که بیشتر کار می‌کند عزیزتر است. اینها مسائل فرهنگی است.

بحث اینکه ما چقدر افراد برتر از خودمان را تحمل می‌کنیم اهمیت بسیاری دارد. در کشور ژاپن می‌گویند که اگر می‌خواهید جای مدبری را بگیرید باید کاری کنید که او به پستی بالاتر برود و بعد شما به پست او منتقل شوید، اما شاید در بخش‌هایی از کشور ما اینگونه باشد که به فردی که در زمینه‌ای موفق است آنقدر پیله می‌کنند تا به پایین کشیده شده و هم‌قد خودشان شود. از این مسائل فرهنگی نباید غافل شد.

به نظرم یکی از عمده‌ترین فاکتورهایی که باعث مهاجرت افراد توانمند می‌شود در کشور ما این است. خود نمی‌خواهم فقط نخبگان علمی را مثال بزنم. ورزشکاران موفق، هنرمندان موفق و… نیز نخبه هستند. آنها وقتی ببینند که در داخل کشور شرایط مناسبی برای آنها وجود ندارد و امکان رشد نیست، مهاجرت می‌کنند و به محلی می‌روند که بتوانند در آنجا از عمرشان استفاده بهتری کرده و اثربخش‌تر باشند.

اگر بخواهم یک نتیجه کلی بگیرم، اگر یک نخبه در جای مناسبی قرار بگیرد و احساس زیبایی اثربخشی در وجودش حاکم بشود هیچگاه مهاجرت نخواهد کرد. ولی وقتی یک انسان توانمند و نخبه ببیند که عمرش دارد تلف می‌شود و نمی‌تواند اثربخش باشد حتماً مهاجرت کرده و محلی را برای خودش انتخاب می‌کند که آنجا احساس کند که مؤثر و اثربخش است. این بحث مهمی در مباحث نخبگی است و یکی از فاکتورهای دیگر هم مسائل فرهنگی است که باید در پوشش و پالایش فرهنگ جامعه هم فعال باشیم و سعی کنیم آن فرهنگ‌های ناشایست که باعث خروج افراد توانمند را فراهم می‌کند از جامعه بزدااییم و فرهنگ را اصلاح کنیم.